

## باسمه تعالی

### نشست دوم

#### نسبت نظر و عمل

از

نگاه فلسفی به جریان های فکری-سیاسی معاصر

خلاصه ای از سخنرانی دکتر فلاح رفیع

در این نشست

### عمل زندگی مدرن و ریشه های فلسفی-مذهبی آن

در دوره معاصر اصالت یافتن عمل (activism) به نوعی عمل زندگی تبدیل شده است؛ زیرا شکل گیری آن برخاسته از اصول و مبانی تفکر مدرن است. این تفکر در ساحت فلسفی از امانوئل کانت (فیلسوف معروف آلمانی قرن ۱۸) میراث می برد و در ساحت دینی از مسیحیت پروتستان. بخش مهمی از تبار نهضت های اصلاح دینی و جریان های اسلامی معاصر به این تفکر می رسد.

در جهان اسلام متفکرانی همچون اقبال لاهوری برای احیا و تجدید تفکر دینی در اسلام به پراگماتیسم (فلسفه صلاح عملی) و یکی از ثمره های آن یعنی تجربه دینی در فلسفه مدرن رجوع می کند. او می خواهد از این موضع گیری فکری-عملی به آثار عارفانی همچون مولانا بپردازد و به عمق معنای عمل و احوال عارفان در تفکر عارفانی راه پیدا کند. اما در نهایت نمی تواند به این هدف دست یابد و اقوال مغشوش را اظهار می کند.

نمونه دیگر دکتر علی شریعتی است که به منظور احیای اسلام و تفکر دینی به عمل در اسلام رجوع می کند. وی در عین حال که تحت تاثیر افکار اقبال است، برخلاف اقبال، نه تجربه دینی بلکه عمل اجتماعی و سیاسی را مد نظر قرار می دهد. لذا الگوی او ابوذر غفاری صحابی بزرگ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) است. از این موضع است که هم در مقابل فیلسوفان بزرگ مسلمان مثل ابن سینا

موضع‌گیری می‌کند و هم در مقابل محدثان بزرگی چون علامه مجلسی. این تفکر نیز حاصل عمل‌گرایی مدرن است و از آن سرچشمه می‌گیرد.

دکتر شریعتی صریحاً در جایی می‌گوید یک مسلمان واقعی و آشنا به جایگاه تاریخی خود در جهان مدرن کسی است که در جوّ مثلث سوسیالیسم، اگزیستانسیالیسم و اسلام نفس بکشد. (شریعتی، اسلام‌شناسی، چاپ اول، بی‌تا، ص ۱۰۹)

از وجوه اصلی تشابه دو مکتب سوسیالیسم و اگزیستانسیالیسم، تاکید بر عمل به معنای مدرن آن است. نظر دکتر شریعتی این بود که از این طریق غفلت در عمل را در آثار حکما و محدثان مسلمان خاطر نشان و آن را جبران کند.

این تفکر ارمغان فلسفه کانت بود که صریحاً خط فاصل قاطعی بین عقل نظری و عقل عملی کشید و حکم قطعی به امتناع الهیات عقلی داد. کانت کتاب مهم خود "دین در محدوده عقل تنها" (Religion Within the Limits of Reason Alone) را به همین منظور کانت نگاشت؛ منظور وی دین در محدوده عقل عملی بود؛ چیزی که خود به صراحت می‌گوید. این طرح نوکانت نیز خود برخاسته از تعالیم مذهب پروستان بود. حاصل تأملات کانت این شد که در دین، اخلاق و اراده اصالت (Voluntarism) یافت و راه برای اراده معطوف به عمل هموار شد.

تلقی جدید کانت از دین، نتایج و پیامدهای سلبی و ایجابی مؤثری در تفکر دینی در دوره جدید و معاصر داشت. یکی از نتایج سلبی پی‌ریزی بنای فلسفه رمانتیک توسط کسانی چون اشلایرماخر و رودلف اتو بود. این افراد که خود از پیشگامان تجربه دینی بودند، در مقابل تقلیل دین به اخلاق یا علم کلام عکس‌العمل نشان دادند و از چیزی به نام احوال یا به تعبیر و تفسیر آنان، تجربه دینی سخن به میان آوردند و این را اصل قرار دادند و بر آن تاکید ورزیدند.

## اصول‌اندیشی یا بنیادگرایی دینی

در دوره معاصر انواعی از عمل‌گرایی دینی بروز و ظهور یافت، ولی در زمان کنونی با نوع مخاطره‌آمیز آن روبرو هستیم که نه با اعتقادات و احوال شخصی، بلکه با کل عالم سروکار دارد. گویی این نوع عمل‌گرایی همان چیزی که مارکس می‌خواست؛ یعنی تغییر عالم را مد نظر دارد. این نوع عمل‌گرایی

دینی در اوایل قرن بیستم، در آمریکا رواج یافت و پس از مدتی مشهور به بنیادگرایی (Fundamentalism) شد.

مؤسسان و پیروان اولیه این جریان دینی بر آن بودند که در سده‌های اخیر تفکراتی انحرافی در دین مسیح وارد شده که آن را از درون تباه خواهد کرد و لذا باید به اصول یا بنیادهای (Fundamentals) اولیه مسیحیت بازگشت و آن را حفظ کرد.

برای این بازگشت معتقد بودند باید به ظاهر و نص کتاب برگشت. به همین خاطر ابتدا به عنوان انجیلی (Evangelical) مشهور شدند. به نظر اینان، سیر تفکر در قرون وسطی و زمان حاضر، انحراف از اصول اولیه مسیحی بوده است. لذا اینان در چند دهه اول قرن ۲۰ به سختی با پیروان الهیات آزاداندیش (Liberal theology) در آمریکا در افتادند.

۱- باور به خطاناپذیری لفظی کتاب مقدس (چه عهد عتیق و چه جدید)

۲- کتاب مقدس متضمن دستورالعمل برای تمامی شؤون زندگی، از جمله سیاسی

۳- باور به ظهور مسیح در پایان تاریخ؛ گونه‌ای از مهدویت (Messianism)

(آرماگدون نام تلی در شمال اسرائیل و محل نبرد آخرالزمانی بر اساس پیشگویی مکاشفه یوحنا)

این سه از مهمترین اصول اعتقادات بنیادگرایان است

یکی از اعتقادات اصلی بنیاداندیشان مسیحی، باور به گونه‌ای از مهدویت (Messianism) است. به نظر اینان عیسی مسیح قبل از آغاز رستاخیز باز می‌گردد و ملکوت خود را بر پا می‌دارد و هزار سال فرمانروایی خواهد کرد. با اعتقاد به این هزاره (Millenarianism) جهان باید مستعد رجعت مسیح باشد. لذاست که اینان مسیحیان جهان را دعوت به همکاری عملی برای تحقق این امر می‌کنند؛ همانطور که مارکس کارگران جهان را دعوت به اتحاد برای تحقق آرمان‌های موعود خود می‌کرد.

تفکر فاندمنتالیسم در دهه ۱۹۲۰ ابتدا در آمریکا متداول شد و تنها به مذهب پروتستانیسم آن هم به معتقدان به اوانجلی‌ها (Evangelical) اطلاق می‌شد. در دهه ۱۹۷۰ به تدریج در مورد نهضت‌های احیای دینی در دیگر ادیان مثل اسلام نیز با کار برده شد. چنانکه امروزه به مسلمانان سلفیه، در عرف مطبوعات غرب فاندمنتالیسم اطلاق می‌شود که آنها را معادل اسلامی همین گروه مسیحی

می‌انگارند. از منظر این تفسیر، دین مجموعه‌ای از اصول و احکام شرعی است که مانند یک ایدئولوژی عمل می‌کند. به این معنا دین دستوراتی دارد که غایت آن تغییر و تحول در کل عالم است و چون چنین است، مخاطبش همه جهانیانند.

از این رو این نوع گرایش دینی به راحتی و سهولت با مقاصد ایدئولوژیک سیاسی جمع می‌شود و یکی مقوم دیگری می‌شود؛ ایدئولوژی سیاسی به این نگرش از جنبه گسترش و توسعه نفوذ و این نگرش نیز توجیه پایه‌های سیاسی و گسترش آن. محرک اصلی عمل‌گرایی دینی معرفت‌ستیزی، نظر‌گریزی و روح اصالت اراده کانتی است. اصالت اراده کانتی به تعبیر نیچه اراده رو به قدرت (Will to power) است. اراده معطوف به قدرت که به صورت‌های مختلف، از جمله اندیشه تکنولوژی مدرن ظاهر می‌شود، این بار در صورت دینی رخ می‌نماید.

## اصول مشترک سلفیون

سلفیون در جهان اسلام با همه اختلافات همگی در اصول ذیل مشترکند:

۱. احیای دوران سلف
۲. نفی وضعیت موجود؛ وضعیت خفت بار و ذلت آور کنونی جهان اسلام
۳. تأسیس خلافت اسلامی
۴. پاکسازی اسلام از خرافات و بدعت
۵. صحت فهم سلف و بطلان فهم خلف
۶. حدیث‌گرایی
۷. ظاهر‌گرایی و نفی عقل‌گرایی و نظر
۸. تأکید بر اصل جهاد
۹. محوریت ابن تیمیه

۱۰. شیعه ستیزی

۱۱. مخالفت با دموکراسی و مظاهر دموکراتیک

۱۲. گسترش دایره کفر و محدود کردن دایره ایمان

این همان جمع تکنوکراسی و تئوکراسی مدرن است که قصد استیلا بر عالم را دارد. از این‌روست که پیشروان و مؤسسان عمل‌گرایی دینی یا همان بنیادگرایی یا بنیاداندیشی دینی بیش از آنکه طلاب و مدرسان حوزه‌های علمیه دینی و اهل علوم دینی باشند، دانش‌آموختگان علوم جدید و اطباء و فن‌آوران و اهل تکنیک هستند.

این عمل‌گرایی بی‌اعتنا به مبدأ قدسی و شؤن و مظاهر مختلف آن مثل عرفان و هنر است؛ و اگر هم باشد، آنها را ابزار و وسیله‌ای در جهت تحقق اهداف ایدئولوژیک می‌خواهد. عملی که در این نوع عمل‌گرایی مدنظر است، عامه‌پسند است و از مقبولات و مشهورات دینی عوام و از احساسات و عواطف آنها بهره می‌گیرد. بیشتر جوان‌پسند و محرک شور و هیجانات دینی ایدئولوژیک در آنان است.

در نتیجه از یک‌سو، اهل معرفت و نظر و پیران راه را طرد می‌کند و از سوی دیگر مدعی تحقق عدالت، به زعم خود، در جهان است. همین نگرش است که باور به مهدویت - به معنای سیاسی آن - را ارج بسیاری می‌نهد. این نوع عمل‌گرایی دینی - چه در مسیحیت و چه در اسلام، اعم از شیعه و سنی - به تضعیف و تخریب تفکر دینی در مقام نظر و عمل می‌انجامد و عواقبی را به بار می‌آورد که جبران‌ناپذیر است.